

Providing Judicial Security in the light of the right of the accused to a lawyer in Iranian, French and international law

Seyed Alireza Mirkamali*

Received: 2019/09/30

Accepted: 2020/03/10

Today, security is at the forefront of every legal system's concerns. One of the most important aspects of security that will make citizens feel comfortable is the provision of judicial security. Judicial security, is, the safeguards of the rights, property, rights, dignity and rights of all citizens. What are the proper mechanisms for achieving this and ensuring the judicial security of the citizens, especially the accused? What steps did the legal systems in this research take and what legal measures did they anticipate? Providing judicial security in the light of the principles of fair and equitable trial and the presence of independent and impartial judges in judicial authorities and observing their defense rights such as the principle of acquittal, the right to have a lawyer and their understanding. Observance of the principle of acquittal and adherence to it and the presence of a lawyer in the criminal process, in addition to being known as an assistant to the judge, is also instrumental in the administration of justice, a focus of the Iranian and French legal system and a major focus of international documents, including the Universal Declaration of Human Rights (Located 1948). According to Iranian Criminal Procedure Code, no one should be summoned or summoned as a defendant without sufficient reason to attribute the charge. This regulation refers to the principle of absurdity and provides for judicial security in which citizens can be protected from any prosecution and, on the other hand, defend themselves if they are charged with a lawyer. Given the importance of the lawyer in the criminal process, the presence of a lawyer in all stages of the Iranian and French legal system is anticipated. Given the importance of the lawyer in the criminal process, the presence of a lawyer in all stages of the Iranian and French legal system is anticipated. In this paper, using the descriptive-analytical research method, the role of "defense rights", in particular the right of the accused to have a lawyer in providing "judicial security", is studied.

Keywords: Judicial Security, Defendant's defense rights, the right to have a lawyer, The principle of innocence.

* Assistant Professor at Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. a_mirkamali@sbu.ac.ir

تأمین امنیت قضایی در پرتو حق برخورداری متهم از وکیل در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی

سیدعلیرضا میرکمالی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

امروزه، تأمین امنیت در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی قرار گرفته است. یکی از ابعاد مهم امنیت که احساس آرامش شهروندان را به دنبال خواهد داشت، تأمین امنیت قضایی است. امنیت قضایی، یعنی در امان بودن جان، مال، ناموس، آزادی، حیثیت و حقوق شهروندان از هر گونه تجاوز. سازوکارهای مناسب برای نیل به این مقصود و تأمین امنیت قضایی شهروندان به ویژه متهمین چیست؟ نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در این زمینه، چه گام‌هایی برداشته‌اند و چه اقداماتی تقنینی را پیش‌بینی کرده‌اند؟ تأمین امنیت قضایی در پرتو ضمیمه اصول دادرسی عادلانه و منصفانه و حضور قضاتی مستقل و بی‌طرف در مراجع قضایی و رعایت حقوق دفاعی ایشان مانند اصل برائت، حق داشتن وکیل و تفهیم آن حاصل می‌شود. رعایت اصل برائت و پایبندی به آن و حضور وکیل در فرایند کیفری، علاوه بر اینکه به عنوان یاور دادرس شناخته می‌شود در اجرای عدالت نیز سودمند است، مورد توجه نظام حقوقی ایران و فرانسه و در کانون اصلی توجه اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) قرار دارد. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران کسی را نباید بدون دلیل کافی برای انتساب اتهام، به عنوان متهم احضار یا جلب کرد. این مقرر به اصل برائت اشاره دارد و تأمین‌کننده امنیت قضایی است که شهروندان می‌توانند در پرتو آن خود را از هر گونه پیگرد غیرقانونی در امان دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از یک وکیل به دفاع از خود پردازد. با توجه به اهمیت وکیل در فرایند دادرسی کیفری، حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی در نظام حقوقی ایران و فرانسه پیش‌بینی شده است. در این مقاله، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، نقش «حقوق دفاعی» به ویژه حق برخورداری متهم از وکیل در تأمین «امنیت قضایی» مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: امنیت قضایی، حقوق دفاعی متهم، حق داشتن وکیل، اصل برائت.

مقدمه

تأمین حقوق متهم و منافع جامعه و حفظ نظم و مصالح اجتماعی، از هدف‌های مهم نظام‌های حقوق کیفری است. بدون آنکه دفاع از منافع جامعه، تمسکی برای نادیده گرفتن حقوق متهم باشد (آشوری، ۱۳۸۵، ص. ۱۱) و یا مقررات دادرسی کیفری به نحوی وضع شوند که مجرم بتواند از چنگال عدالت فرار کند و یا اینکه احیاناً بی‌گناهی را به ناحق گرفتار عقاب سازد (آخوندی، ۱۳۸۰، ص. ۴۷). توجه به حقوق متهم و جامعه، پیوسته باید مدنظر حاکمیت باشد، اما در دوره‌هایی از تاریخ، گاهی فقط تأمین منافع متهم و گاهی تنها حفظ مصالح اجتماع مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که تأمین حقوق متهم و برخورداری وی از دادرسی عادلانه هم‌زمان با رعایت مصالح اجتماعی دست‌یافتنی است.

برای تحقق هدف مذکور و برخورداری از امنیت قضایی و برای پرهیز از هر گونه تجاوز و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف و احقاق حقوق قانونی و مشروع شهروندان چه باید کرد؟ قانون‌گذار ایران در راستای رسیدن به این هدف، سعی نموده با شناسایی معیارهای دادرسی منصفانه، در جهت حمایت از منافع متهم و جامعه، گام‌های اساسی و مهمی بردارد. زیرا، امنیت قضایی در پرتو حقوق دفاعی متهم شکل می‌گیرد. از این‌رو، حقوق دفاعی متهم را به عنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه ابتدا در قانون اساسی و سپس در قانون آیین دادرسی کیفری آورده است. حقوق دفاعی متهم در اصول ۳۸، ۳۷، ۳۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده تا متهم بتواند فعالانه در جهت رد اتهامی که متوجه وی شده است، اقدام نماید. قانون آیین دادرسی کیفری نیز با بکارگیری الگوهای دادرسی عادلانه و با هدف تأمین امکانات برابر برای طرفین دعوی، تحولاتی را از ابتدای فرایند کیفری (کشف جرم و تحقیقات مقدماتی) در جهت حفظ حقوق متهم پیش‌بینی کرده است.

مطابق ماده ۱۶۸ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کرد، به عنوان اصلی بنیادین به امنیت قضایی همه شهروندان اشاره دارد، که می‌تواند از یک سو زیر سایه آن احساس آرامش کنند و خود را از هر گونه تعقیب و احضار ناصواب مصون دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از یک وکیل به دفاع از خود پردازد. حضور وکیل در فرایند دادرسی

کیفری، آنچنان پراهمیت است که سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم و بزه‌دیده گنجانده‌اند (نیازپور، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۸). با این وجود، اگرچه در تمامی اسناد و موازین حقوق بشر، بر لزوم حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل به عنوان یکی از تضمینات دادرسی عادلانه تأکید شده، لیکن در خصوص مبنا و ضرورت به رسمیت شناختن این حق برای متهم هیچ‌گونه تصریحی در اسناد فوق به عمل نیامده است.

در این مقاله، با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی، ابتدا مفهوم «امنیت قضایی» و «حقوق دفاعی» مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، سپس به مبانی بحث مانند اصل برائت، تساوی سلاح‌ها، تسریع رسیدگی و در آخر هم به حق برخورداری متهم از وکیل پرداخته می‌شود. ارایه این بحث به شکل تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی اخیر، تا حدود زیادی از آنها الهام گرفته است.

۱. مفاهیم

۱-۱. امنیت قضایی

کلمه امنیت ریشه در واژه (امن) دارد و به معنی در امان و آرامش بودن است. امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵). در لغت، حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند.

در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود (آشوری، ۱۳۷۰، ص. ۳۸). تعاریف متعددی از امنیت ارائه شده که شاید یکی از اختلافات مهم در مفهوم امنیت، میزان وسعت مفهوم امنیت از جهت بخش‌ها و ابعاد آن است. لازم به ذکر است که واژه امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول شد و بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بشتر کارایی پیدا کند (Leffler, 1984, p. 246).

امنیت قضایی نیز عبارت است از ایمنی و مصون ماندن فرد از هر گونه تعرض،

تجاوز، ارباب و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل و مسکن و به طور کلی تمامی حقوق قانونی و مشروع او است. امنیت قضایی، فرایندی برای رسیدن به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه است که در آن همگان به عدالت دسترسی داشته باشد، حقوق افراد به طور مناسب تأمین شود و عدالت نسبی میان افراد جامعه و به ویژه حاکمان و شهروندان برقرار شود. امنیت قضایی عبارت از توسعه عدالت در جامعه، تأمین آزادی‌های مشروع و حمایت از آنها و به کار بردن تشریفات و مقررات قضایی روان و مناسب است (ساداتی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱).

امنیت قضایی، حالتی است که در آن، حیثیت، جان، مال و تمامی امور مادی و معنوی انسان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد.^۱ برای ایجاد چنین حالتی، باید مؤلفه‌های اساسی رعایت شوند تا از آن طریق بتوان به هدف امنیت قضایی که دستیابی به عدالت قضایی است، دسترسی یافت. تأمین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، طبق بند «۱۴» اصل ۱۳ و اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر عهده حکومت و قوه قضائیه است.

احترام و التزام به قانون، از اولین شرایط قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت به منظور ایجاد و امکان تحول و رشد، تنها در جامعه‌ای میسر است که قانون، نظم و امنیت، ثبات و امید به آینده و اعتماد متقابل، حکم‌فرما باشد.

دادرسی عادلانه، خود یکی از حقوق بنیادین بشر است که صحت، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می‌کند و از این راه امنیت قضایی را نیز تأمین می‌نماید. امنیت قضایی زمانی شکل خواهد گرفت که اصول و رویه‌های دادرسی، به نحوی عادلانه، تضمین‌کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشند و همه افراد، هنگام حضور در مراجع عدالت کیفری و توسل به قضات دادگستری از «حقوق قضایی» نظیر حق داشتن وکیل، حق آگاهی از موضوع اتهام، حق سکوت^۲ برخوردار باشند و به وسیله اعمال اصول و رویه‌های متعارف یک دادرسی عادلانه، مانند: اصل براءت، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات، نسبت به اجرای تمام حقوق قضایی خویش و عدم تضییع آن، اطمینان حاصل کنند. فقط از این راه می‌توان به وضعیت مطلوب عدالت قضایی دست یافت.

با توجه به امنیت قضایی آنچه از تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی - در مثال قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی ایران - حاصل می‌شود، این است که برخی از مصادیق حقوق قضایی هم جنبه حقوق بشری دارند و هم جنبه حقوق شهروندی؛ اما نسبت به اینکه جز حقوق بشر تلقی گردند یا حقوق شهروندی، می‌تواند آثار متفاوتی را در پی داشته باشند. برای مثال، حق برخورداری از محاکمه عادلانه در جامعه جهانی و بیشتر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است و از نظر مفهومی، از دید بیشتر جوامع، جز حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود؛ اما از آنجا که حقوق شهروندی، مقید به مرزهای جغرافیایی خاصی است و قوانین و مقررات هر جامعه، به مفهوم خاص، برقراری نظم، امنیت و عدالت را دنبال می‌کند، مفهوم حق محاکمه عادلانه و شرایط تأمین آن می‌تواند جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد. البته باید توجه داشت که شرایط تأمین و تضمین حق مزبور، هرگز نباید به گونه‌ای باشد که ماهیت وجود چنین حقی را زیر سؤال ببرد. به بیان دیگر شرایط داخلی باید به نحوی باشد که قانون حق محاکمه عادلانه از جمله حقوق متهم را برای تمامی افراد جامعه، بر اساس ضوابط و مقررات خاص آن جامعه، تأمین کند. از این دیدگاه، حقوق قضایی، مجموعه قواعدی هستند که مبنای اصلی آنها مقررات حقوق بشر است. به بیان دیگر، مبنای اصلی حقوق قضایی، حق بشر است و هر یک از حقوق قضایی در یک جامعه خاص، به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین شهروندان، بر اساس مقررات و ضوابط خاص جامعه تأمین و تضمین می‌شود. این تأمین و تضمین نباید به نحوی باشد که بر ماهیت و محتوای حقوق مزبور و فلسفه وجودی آن، خللی وارد آورد (زارعی، ۱۳۸۷، ص. ۴۱). جهت برخورداری از امنیت قضایی و دادرسی منصفانه گفته می‌شود که دادرسی کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دولت و متهم باشد (زالمن، ۱۳۷۸، ص. ۱۶).

به طور کلی می‌توان گفت کلیه اقدامات حقوقی و قضایی از جمله احضار، دستگیری، بازداشت و محاکمه باید به موجب قانون باشد تا از این طریق امنیت قضایی تضمین گردد. امنیت قضایی اقتضای پیش‌بینی تضمیناتی برای اصحاب دعوا را دارد که این تضمینات همان اصول و معیارهای دادرسی عادلانه است. امنیت قضایی حقی است که برخورداری از آن مانع تعرض به اشخاص و آزادی‌های جسمانی اشخاص نظیر دستگیری یا بازداشت

می‌شود (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷). بر این اساس امنیت قضایی و دادرسی عادلانه لازم و ملزوم یکدیگرند و مؤلفه‌های دادرسی عادلانه تا حد زیادی همان مصادیق امنیت قضایی هستند. می‌توان تضمینات ناظر بر تأمین امنیت قضایی از قبیل، اصل برائت، حق داشتن وکیل و تفهیم آن، اصل تساوی سلاح‌ها و تسریع در رسیدگی برشمرد که طی چند قسمت به تفصیل تشریح می‌گردد.

۲-۱. حقوق دفاعی متهم

رسالت عدالت کیفری تعادل‌بخشی میان دو کارکرد اصلی خود در قبال شهروندان است. نخست: تضمین عادلانه حقوق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر در مقابل مجرم، دوم: تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل مراجع عدالت کیفری. از این رو، عدالت کیفری، گذشته از نظام‌مندی، مبتنی بر فرایندی با مراحل مختلف است که از دستگیری تا اجرای مجازات و مرحله پساکیفری را شامل می‌شود. افزون بر این، عدالت کیفری کنشگران و نهادهایی دارد که بر پایه سلسله قواعد و مقررات به فرایند رسیدگی می‌پردازند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۲).

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی مطرح و حمایت می‌شود، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است، متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند (امیدی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۵). حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه منظور گردیده است (آشوری، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۴). حق دفاع متهم راه‌های قانونی جهت جلوگیری از اثبات مجرمیت وی در کلیه مراحل فرایند کیفری اطلاق می‌گردد. حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقرره‌های بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی نیز، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در قانون آیین دادرسی کیفری تضمین شده است (علی اکبری؛ کرمی و کنجوری، ۱۳۹۴، ص. ۱).

در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می‌شود، منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره‌های اخلاقی قرار نمی‌گیرد، بلکه مراد بررسی بهره‌مندی متهم از حق‌ها و تضمین‌های مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی است. بنابراین حقوق دفاعی، زیر مفهوم حق داشتن قرار می‌گیرد، نه زیر مفهوم حق بودن (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۱۳). به بیان ساده‌تر حقوق دفاعی متهم به معنای برخورداری متهم از برخی امکانات، امتیازها، حمایت‌ها و تضمین‌های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است. یکی از مهمترین این حقوق حق برخورداری متهم از وکیل است که در زیر به آن پرداخته می‌شود.

۲. مبانی حق برخورداری از وکیل

در ارزیابی فرایند عدالت کیفری سؤال آن است که منافع چه کسانی در اولویت سیاست‌های تقنینی و قضایی قرار می‌گیرد. چنانچه نظام‌های عدالت کیفری در پی برقراری عدالت به معنای واقعی آن باشند، منافع عموم شهروندان دغدغه اصلی در فرایند کیفری خواهد بود. اما در صورتی که در پی خدمت به حکومت‌ها باشند و امنیت و استمرار آنها را هدف خود بدانند، اولویت‌های نظام سیاسی حاکم را در صدر برنامه‌های رسیدگی کیفری قرار می‌دهند، هر چند موازین دادرسی عادلانه نفی گردد (قپانچی و دانش‌ناری، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۹). به همین جهت، سیاست‌گذاران جنایی با پیروی از آموزه‌های حقوق بشری، جرم‌شناسانه و بزه‌دیده‌شناسانه، حق این دو کنشگر (بزه‌دیده و متهم) در بهره‌مندی از وکیل را در سراسر فرایند کیفری را به رسمیت شناخته‌اند، تا در پرتو آن بزه‌دیدگان و متهمان، بتوانند از حقوق خود در پهنه عدالت کیفری دفاع نمایند (هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۴).

تضمین حقوقی دفاعی متهم واجد اهمیت فراوانی است و با پذیرش حضور وکیل چه از طرف متهم و چه از طرف بزه‌دیده، به این امر نه تنها به عنوان یک حق می‌نگرد، بلکه آن را در زمره اصول دادرسی منصفانه می‌انگارد. نقش وکیل را می‌توان به عنوان یاور دادرس در امر دادرسی دانست. علاوه بر این حضور او در جریان فرایند کیفری در اجرای عدالت نیز سودمند است و در کانون اصلی توجه اسناد مختلف حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) قرار دارد (شفیع‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۴۰). همچنین با مذاقه در دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون مجموعه اصول حمایت از همه

افراد تحت هر گونه بازداشت یا حبس، اصول اساسی نقش وکلا و نیز ملاحظه اسناد منطقه‌ای مشابه خصوصاً کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی این نکته مهم احراز می‌شود که در بررسی لزوم حق برخورداری از وکیل، به حقوق متهم بیشتر توجه شده است و حفظ حقوق جامعه در مرحله دوم قرار دارد (اسماعیلیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۹). مبانی که از سوی طرفداران این الگو به عنوان مبانی حق بهره‌مندی از وکیل ارائه شده است به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. اصل برائت

تاریخچه اصلی و قدیمی اصل برائت را بایستی در سفارشات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) جستجو نمود که همواره تأکید بر اصل بی‌گناهی انسان‌ها داشته‌اند^۳ (حرعاملی، بی‌تا، ص. ۱۷۰). روایات موجود درباره امام علی (علیه‌السلام)، بیانگر حاکمیت این اصل بنیادین در سیره ایشان هستند. ایشان می‌فرمایند: «انی لا اخذ علی التهمه و لا اعاقب علی الظن»؛ من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی‌دهم (تقفی کوفی اصفهانی، ۱۳۵۵، ص. ۳۷۱). اصل برائت در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد. زمانی که اصول فقه به عنوان یک رشته علمی مستقل، تدوین نیافته بود قواعد و مقررات اصل برائت در میان آیات و روایات قرآن وجود داشت (زراعت، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). البته لازم به ذکر است که اصل برائت از قواعد فقهی است اما چون مدرک استنباط حکم شرعی در مجاری خود قرار می‌گیرد، بنابراین، در علم اصول مطرح شده است (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص. ۶۷). اصل برائت در حقوق اسلام در قالب قواعد متعددی مثل «قاعده در»، «اصاله الاباحه» و نهایتاً «قاعده برائت عقلی» مطرح است (طهماسبی، ۱۳۹۶، ص. ۶۱). اصل برائت^۴ یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه‌ای طولانی است و به طور کلی بیانگر این مهم است که متهم تکلیفی در ارائه دلیل بر بی‌گناهی خود ندارد که موجب علم و اقناع وجدان قاضی شود (آشوری، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۰). مطابق این اصل، مقام تعقیب‌کننده یعنی دادستان بایستی نزد دادگاه بی‌طرف، ارکان جرم را به اثبات برساند و دلایل کافی علیه متهم در خصوص عنصر معنوی جرم ارائه نماید، چرا که اصل بر بی‌گناهی متهم است و اثبات گناهکاری وی بر عهده مقام تعقیب‌کننده است (قنبری، ۱۳۸۱، ص. ۸۳). بر اساس این اصل هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه اتهام او در دادگاه ثابت

شود. امنیت قضایی وقتی است که دادگاه‌ها و مراجع قضایی، در اجرای وظایف قانونی خود، به گونه‌ای رفتار کنند که به حقوق افراد لطمه وارد نشود و آزادی آنها تهدید نگردد. از این رو، در جریان کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمان ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و مورد اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و مقامات مسئول با تردید مواجه شوند. در چنین حالتی حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده دور از انصاف خواهد بود. به همین دلیل برای تعیین مسئولیت متهم، تا زمانی که شک و تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد به اصل برائت متوسل می‌شوند (هاشمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۷).

امروزه این اصل مهم، مورد توجه همه نظام‌های حقوقی دنیا قرار گرفته است و در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. بر اساس بند ۱ این ماده؛ هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه فرض خواهد شد تا اینکه در جریان یک دادرسی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و تقصیر او به نحو قانونی اثبات گردد. همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد؛ حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او طبق قانون محرز شود. امروزه، هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی خود را بی‌نیاز از اصل برائت نمی‌دانند (خزانی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۹). این اصل مهم و راهبردی در اصل ۳۷ قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است: هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. در ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ نیز، مقنن در فصل اول آن اصول اساسی حاکم بر آیین دادرسی کیفری را بیان نموده است و در ماده ۴ صراحتاً به اصل برائت اشاره کرده است. در واقع، این ماده ناظر بر جنبه قضایی اصل برائت است.

از لحاظ آیین دادرسی کیفری، پذیرش اصل برائت از یک سو تکالیفی را برای مقامات قضایی یک کشور و حتی مقامات دولتی آن ایجاد می‌کند و از سوی دیگر متهم را در شرایط مساعدی قرار می‌دهد و او را از امتیازاتی برخوردار می‌کند (آشوری، ۱۳۸۳، ص. ۳۴۴). از جمله این امتیازات می‌توان به حق دفاع متهم اشاره کرد. به عبارت دیگر حق دفاع متهم از مهم‌ترین آثار اصل برائت است. وقتی دستگاه قضایی در صدد اثبات اتهام فرد و زیر

سؤال بردن فرض برائت و بی‌گناهی اوست، حق دفاع مهم‌ترین ابزار برای تضمین این اصل و دفاع از آن خواهد بود. همان‌طوری که می‌دانیم حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل از الزامات حقوق دفاعی متهم به شمار می‌رود. وکیل با حضور در مراحل دادرسی با تأکید بر اصل مذکور و رعایت آزادی متهم، تا زمان اثبات توجه اتهام به متهم و آن هم پس از ارائه دلایل متقن، می‌تواند نقش بسزایی در دفاع از موکل به عمل آورد (شاملو، ۱۳۸۳، ص. ۲۷۹-۲۷۸).

اصل برائت هم در بعد تقنینی و هم در بعد قضایی آثار و مقتضیاتی دارد. در بعد تقنینی، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود، مگر اینکه مقنن آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین کرده باشد. در بعد قضایی، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بی‌گناه فرض شود (خالقی، ۱۳۹۳، ص. ۳۰).

اصول قانون اساسی در خصوص اصل برائت بیشتر حقوق متهمان و تشکیل دادگاه‌های صالح برای اثبات مجرمیت را مدنظر داشته در حالی که ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پس از بیان اینکه اصل برائت است بر ضرورت حفظ آزادی‌های فردی و حریم خصوصی افراد با عنایت به کرامت انسانی شهروندان، توسط مقامات قضایی تأکید ورزیده است. بدیهی است که این اصول و قواعد را بایستی مکمل یکدیگر تلقی نمود (آشوری، ۱۳۹۴، ص. ۲۸).

اصل برائت یا فرض بی‌گناهی متهم دارای آثار متعددی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است. از جمله: تکلیف دادستان یا شاکی به ارائه دلیل اتهام، منع توسل به روش‌های غیرقانونی جهت تحصیل دلیل، تفسیر مضیق به نفع متهم و ممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن و گمان، تفهیم فوری نوع و علت اتهام، خودداری از پیش‌داوری در مورد متهم، حق داشتن وکیل مدافع و تأمین امکانات دفاعی لازم برای متهم (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۹).

رعایت اصل برائت و پابندی به آن در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب‌ها و ناامنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است. در واقع، اصل برائت امنیت قضایی را برای شهروندان فراهم می‌کند. بنابراین، بایستی از سوی تمامی نهادهای

عدالت کیفری مورد احترام قرار گیرد و افرادی همچون نیروی انتظامی و ضابطان دادگستری بایستی با احتیاط عمل کنند تا خدشه‌ای بر این اصل بنیادین وارد نشود، چرا که همه شهروندان (حتی متهمین) در پرتو این اصل بنیادین، بی‌گناه تلقی می‌شوند و شهروندان بایستی از هر گونه ظن و گمان ناروا در امان باشند تا احساس امنیت کرده و به نظام قضایی اعتماد پیدا کنند. عدم رعایت اصل برائت باعث خدشه به آزادی افراد و ایجاد هرج و مرج در جامعه و ورود لطمه به امنیت قضایی شهروندان خواهد شد.

۲-۲. اصل تساوی سلاح‌ها

حقوق و آزادی‌های فردی، در برابری انسان‌ها تجلی می‌یابد. به همین دلیل، برابری از اصول حقوق عمومی محسوب می‌شود. همه مردم صرف‌نظر از جنس، نژاد، طبقه، مذهب، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف یکسان و مساوی برخوردار باشند. مراد از برابری، این است که همه افراد در استفاده از موهبت‌ها، نعمت‌ها و مزیت‌های اجتماعی یکسانند. قانون‌گذار بایستی امکانات و تسهیلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به‌طور یکسان در اختیار همه افراد دهد (مصباحی، ۱۳۸۸، ص. ۵۰). اسناد بین‌المللی نیز بر تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی تأکید دارند. به موجب ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی ذکر شده است بهره‌مند گردد».

اصل تساوی سلاح‌ها، مهم‌ترین معیار تضمین دادرسی عادلانه است و حکایت از برابری دادستان و متهم دارد به همین دلیل اگر دادستان در یک جلسه دادرسی حاضر اما متهم از حضور در آن محروم باشد، این اصل نقض شده است. این اصل نظام قضایی را به تأمین موقعیت برابر طرفین ملزم می‌کند، لیکن دو برداشت متفاوت از برابری طرفین وجود دارد. اولین برداشت که طی سالیان از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده، متضمن این است که متهم نباید در یک موقعیت شکلی نامساعد نسبت به دادستان قرار گیرد. در این معنا این اصل تنها نسبت به متهم اعمال می‌گردد، به تعبیری معاهدات حقوق بشری به دادستان حق هم‌پایه شدن با متهم را نمی‌دهد. از طرفی معاهدات حقوق بشری منع نمی‌کند که متهم در وضعیت مساعدی نسبت به دادستان قرار گیرد (فضائلی، ۱۳۸۷،

یعنی در فرایند دادرسی کیفری، مقام تعقیب به دلیل حیثیت عمومی دعوا و به اعتبار ادعای نقض نظم عمومی توسط متهم علیه وی اقامه دعوا می‌کند بدیهی است چنین مقامی از اقتدار خاصی برخوردار است و متهم در برابر وی دارای چنین امکاناتی نیست از این رو کنوانسیون‌ها و اسناد حقوق بشری به دنبال حمایت از وی برآمدند. دومین برداشت برابری طرفین را یک جزء اساسی ساختار توافقی دادرسی است، که بر مفهوم محاکمه به عنوان نزاعی بین دو طرف استوار است. طبق این رویکرد، برای هر دو طرف دادرسی داشتن حقوق مساوی اجتناب‌ناپذیر است در غیر این صورت مبارزه منصفانه‌ای بین دو معارض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهند شد. پس این اصل دوطرفه است و دادستان نیز حق دارد در موضع نامساعدی، در مقایسه با متهم، قرار نگیرد. در حالی که در یک سیستم تفتیشی نیاز به برابرسازی امکانات میان متهم و دادستان مهم است (پاک‌نیت، ۱۳۸۹، ص. ۸۳).

می‌توان گفت که مهم‌ترین تعبیر از برابری اصحاب دعوی، برابری در ابزار و امکانات میان آن‌هاست (آنتونیو، ۱۳۸۷، ص. ۴۸۹). زیرا وکیل با دانش حقوقی خود می‌تواند مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم است به قاضی اعلام و قسمت‌های تاریک پرونده را روشن کند؛ زیرا، به عقیده اکثر قریب به اتفاق علمای اجتماعی و مذهبی اگر مجرمی تبرئه شود بهتر است تا اینکه بی‌گناهی محکوم گردد (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۵، ص. ۵). به عبارت دیگر مطابق اصل تساوی سلاح‌ها، تعیین وکیل در امور جزایی اغلب برای دفاع از متهم در مقابل دادستانی است که به نمایندگی جامعه در مقام کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و تعقیب و دستگیری متهم برآمده و مجازات او را از لحاظ جنبه عمومی جرم برای حفظ نظم اجتماعی و یا تسکین و رضای زیان‌دیده از جرم از دادگاه تقاضا می‌کند. در این صورت وکیل دادگستری با آشنایی به قوانین، دفاع از متهم را بر عهده می‌گیرد تا موازنه بین دادستان و متهم برقرار شود و دادگاه بر مبنای عدالت رسیدگی کند.

لازم به ذکر هست که این اصل مستلزم آن نیست که چیزی را که یک طرف نیاز دارد، دیگری نیز دریافت کند. اصل برابری مقتضی آن است که طرفین امکان یکسان دسترسی به اسناد و مدارک پرونده را، دست‌کم تا آنجا که در شکل‌گیری رأی دادگاه مؤثر است، داشته باشند، و هر طرف از فرصت اعتراض به ادله دیگر برخوردار باشند و اگر احیاناً

مشکل و موانعی در کار باشد که به عادلانه بودن خلل وارد آورد، هر یک از طرفین که منافع او در خطر است مکلف است برای چاره‌جویی، مراتب را بدون تأخیر بی‌جهت به اطلاع دادگاه برساند.^۶ با توجه به مراتب فوق اصل مذکور معتبرترین نظریه ارائه شده در زمینه حق بهره‌مندی از وکیل است که با تشبیه تقابل متهم و مقام تعقیب به طرف‌های مبارزه و لزوم در اختیار داشتن امکانات دفاعی مساوی، سعی بر حفظ حقوق متهم از طریق برخورداری از مساعدت وکیل شده است. بنابراین، برای تأمین امنیت قضایی و دادرسی عادلانه، دادرسی کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دادستان و متهم باشد.

۲-۳. تسریع در دادرسی

این سخن «تأخیر عدالت، انکار عدالت است»، بیانگر یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه یعنی تسریع در دادرسی است. برخورداری متهم از اصل برائت تنها در صورتی منطقی است که تا حد امکان به سرعت بی‌گناه یا مجرم بودنش احراز شود. اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری‌ترین شروط یک نظام قضایی مناسب است که در جوامع مورد وفاق عمومی است. «سیستم قضایی باید بی‌گناه را بدون تأخیر حمایت کند همان‌گونه که باید مجازات مجرم را هم بدون تأخیر صادر کند» (فضائلی، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۶). تسریع در دادرسی موضوع جدیدی نیست و در طول تاریخ همواره متخصصان کیفری بر آن تأکید داشته‌اند. ولی منظور عجله در کار قضاوت نیست. زیرا کار قضایی نیاز به دقت فراوان دارد و اشتباه ناشی از بی‌توجهی، به علت سرعت، آثار زیان‌باری در بر خواهد داشت. بلکه منظور از تسریع این است که دادرسی سریع بدون اینکه به حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع و داشتن وکیل، صدمه وارد آید، انجام شود.

حق محاکمه متهم در مدت‌زمانی معقول، بدون توجه به بازداشت یا آزاد بودن او، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به‌صراحت آمده است، بسیاری دیگر نیز از بازداشت متهم و حق محاکمه سریع در کنار هم سخن گفته‌اند. بعضی هم حق محاکمه سریع را تنها نسبت به اشخاص بازداشتی مطرح کرده‌اند. این اصل در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر وارد شده است و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۶ این شرط را برای همه محاکمات لازم شمرده است و بیان می‌دارد که «هر شخصی حق دارد به دعوای او

در مدت‌زمان معقول رسیدگی شود». علاوه بر این، در اغلب مقررات بین‌المللی سریع بودن و منصفانه بودن در کنار هم به کار رفته است این نشان‌دهنده آن است که در دادرسی، سرعت اهمیت زیادی دارد و بدون آن دادرسی منصفانه نخواهد بود. این اصل برای تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین‌کننده دارد؛ زیرا، تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی تسریع در فرایند کیفری را به‌منزله یکی از جلوه‌های حمایت از «حقوق کنشگران دعوی کیفری» و از مصادیق حقوق بشری پیش‌بینی کرده‌اند، در حالی که تدبیر آنان از زاویه پیشگیری از بزهکاری نیز قابل توجه است. بنابراین سرعت‌بخشی به فرایند کیفری اگرچه از زاویه حقوق بشری و سیاست جنایی بزه دیده‌مدار، موجب عادلانه شدن دادرسی را فراهم می‌کند، ولی از منظر آموزه‌های پیشگیری واکنشی، سازوکار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می‌رود. بدین‌سان، سرعت‌بخشی به فرایند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوی کیفری، سرعت متناسب و توجه به موازین حقوق بشر، می‌تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری پیشگیرانه را به وجود می‌آورد (نیازپور، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۵).

در واقع، تسریع در فرایند کیفری و صدور حکم نهایی و اجرای آن مورد انتظار عموم مردم و به نفع جامعه است، زیرا تعقیب کیفری بزهکار و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از بین می‌برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند. در واقع این روش به سودمندی مجازات‌ها از طریق ارباب و عبرت به کیفیتی مؤثر تحقق می‌بخشد. در حالی که تأخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفری افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بی‌اعتماد می‌کند.

تسریع در دادرسی عجله در رسیدگی نیست؛ زیرا، شتاب‌زدگی در امر قضاوت، اجرای عدالت را مخدوش خواهد ساخت. چون دادرسی کیفری دارای مسائل دقیق و دشواری است که احاطه بر آنها برای اشخاص غیرحقوقدان به‌آسانی و سرعت میسر نمی‌شود. احاطه به شیوه تنظیم شکایات و لوایح، انتخاب اسناد و سایر ادله، زمان و طریق ارائه ادله و استناد به آنها ارائه دفاعیات و اقدامات لازم به ترتیب و طریق و در مهلتی که قانون پیش‌بینی می‌کند لازمه اثبات و احقاق حق در دادرسی است. در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می‌برد اهمیت تسریع دادرسی دوچندان می‌شود.

۳. حق داشتن وکیل

یکی از معیارها و اصول دادرسی عادلانه، برخورداری متهم از وکیل است و هدف از آن ایجاد تساوی سلاح‌ها و امکانات برابر برای متهم و ایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه است. در صورت عدم آشنایی متهم به علم حقوق ممکن است حق او در فرایند کیفری تضییع گردد. داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی، حقی اساسی در قوانین و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که در کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد حضور وکیل مدافع به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است (مظاهری، ۱۳۸۵، ص. ۵۶).

حق داشتن وکیل توسط متهم که یکی از اقسام حقوق دفاعی متهم است همچون دیگر اقسام حقوق دفاعی متهم ریشه در اصل برائت دارد و این حق باید در تمام مراحل دادرسی رعایت شود. اگر متهم نتواند برای خود وکیل انتخاب کند دستگاه عدالت قضایی مکلف است برای او این حق را فراهم کند، زیرا منصفانه نیست که به دلیل عدم توانایی مالی متهم، رسیدگی بدون حضور وکیل صورت گیرد. به همین خاطر قانون‌گذار حضور وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به برخی از جرائم را الزامی کرده است.

در چنین بستری است که قانون‌گذار فرانسوی به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق فردی و تحت تأثیر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و شورای قانون اساسی آن کشور، حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر را به رسمیت شناخته است. این حق که ابتدا در سال ۱۹۹۳ میلادی به صورت یک ملاقات ساده از بیستمین ساعت تحت نظر پذیرفته شد، به موجب اصلاحات تقنینی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱ میلادی به حضور فعال وکیل شخص تحت نظر در این مرحله تبدیل شده است (ساقیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۴).

در قوانین داخلی در بند ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید بیان شده است: محاکم و دادسراها فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای طرفین دعوی فراهم کنند. از این بند چنین بر می‌آید که حق استفاده از وکیل در تمام مراحل دادرسی مجاز است اما در واقع در عمل اینگونه نبود و شامل مرحله تحت نظر متهم نمی‌شد و تنها شامل مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در محاکم می‌شد. اما به موجب ماده ۴۸ قانون آ.د.ک.

مصوب ۱۳۹۲: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد». لازم به ذکر است که این موضوع با محدودیت‌هایی همراه است: نخست اینکه ملاقات نباید بیش از یک ساعت طول بکشد، دوم متهم باید با وکیل ملاقات کند نه آنکه وکیل از متهم دفاع کند، فقط جنبه ملاقاتی دارد، سوم متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند، اجباری در حضور وکیل نیست.

نقش وکیل در دفاع از متهم آنچنان اهمیت دارد که اگر متهم تمکن مالی به انتخاب وکیل نداشته باشد و یا قدرت انتخاب نداشته باشد، نظام عدالت کیفری در جرائمی اقدام به انتخاب وکیل برای او می‌کند. این امر آنچنان واجد اهمیت است که در اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، از جمله در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به وکیل تسخیری اشاره کرده‌اند. علت حضور وکیل مدافع در پرونده‌هایی که حضور وکیل تسخیری الزامی است به دلیل دفاع از حقوق متهمان بوده است (منصوریان، ۱۳۸۷، ص. ۲۰).

قانون‌گذار برای اولین بار به تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده تا پیش از این قانون وکیل تسخیری اختصاص به مرحله دادرسی داشت؛ که این نوآوری در قانون از تضمینات حقوق دفاعی متهم می‌باشد. اگر متهم وکیل انتخاب نکند و بازپرس هم از این کار امتناع ورزد تخلف انتظامی محسوب می‌شود. برابر تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲ «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند».

متهم در جریان تحقیقات مقدماتی می‌تواند از محتویات پرونده آگاهی داشته و آن را مطالعه کند. این امر موجب تضمین حقوق دفاعی متهم می‌شود، زیرا زمانی که متهم از پرونده‌ای که در جریان تحقیق است آگاهی داشته باشد، بهتر می‌تواند از خود دفاع کند؛ اما، اگر بازپرس تشخیص دهد که از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد و اینکه با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد و یا جرائم منافی عفت باشد، بازپرس قرار

عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌کند. و چنانچه طالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند.

در ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ هیچ ماده‌ای مبنی بر اعلام یا تفهیم داشتن وکیل توسط متهم از سوی بازپرس یا ضابطین وجود نداشت. اما، تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ در جهت حفظ حقوق متهم به این حق اشاره کرده و مقرر می‌دارد: سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه و هشت می‌شود. این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود. در واقع علاوه بر اینکه نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده است، اعلام و تفهیم آن هم برای بازپرس تکلیف قانونی است. این حق باید در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد باید این حق حضوراً به وی تفهیم شود. در صورتی که متهم حضور پیدا کرد، در احضاریه این حق چه اشاره شده باشد چه نشده باشد، حق مزبور به طور حضوری به وی تفهیم می‌شود و عدم تفهیم آن ضمانت اجرای سنگینی دارد بازپرس نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف از تفهیم این حق به متهم خودداری کند (خالقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۴).

قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین‌بار داشتن وکیل در «مرحله تحقیقات مقدماتی» را مطرح کرده است. وکیل متهم می‌تواند دلایل و مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم بدانند ارائه کند، به این معنا که در جریان تحقیقات وکیل می‌تواند از متهم دفاع کند در حالی که در ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ وکیل نمی‌توانست در امر تحقیق مداخله کند فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می‌توانست دلایل و مطالب را ارائه کند. در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار فقط داشتن یک وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی مجاز دانسته و تعدد وکلا را نپذیرفته است. در صورتی که در مرحله دادرسی این چنین نیست. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حق

داشتن وکیل در مرحله بازجویی و تحت نظر منتفی بود و داشتن این حق بستگی به نظر قاضی داشت.

در نظام حقوقی فرانسه، زمانی که شخص متهم تحت تعقیب قرار گرفت، ضابطان بایستی محلی را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص متهم و وکیل وی قرار دهند، ضابطان نیز حق حضور و دخالت را نخواهند داشت (Guinchard et Buisson, 2012, p. 695). بنابراین، از اولین لحظات تحت نظر قرار گرفتن و متهم شدن به جرم، شخص حق انتخاب وکیل را داراست (Pradel, 2001, p. 1115). داشتن وکیل در مراحل مختلف دادرسی یکی از نکات بسیار مثبت این نظام حقوقی است، این حق علیرغم مخالفت‌های ضابطین که اعتقاد دارند حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی، کشف حقیقت را به تأخیر خواهد انداخت، در جهت تأمین امنیت قضایی تمامی شهروندان به رسمیت شناخته شده است (Pradel, 1995, p. 169). در واقع شناسایی و تضمین حقوق دفاعی متهم از جمله حق برخورداری از وکیل از همان لحظه‌ای که وی تحت تعقیب قرار می‌گیرد، مورد حمایت قرار گرفته است (Lazerges, 2000, p. 70).

در حقوق فرانسه، حق ملاقات با وکیل در برخی جرایم محدود گردیده است. در این زمینه ماده ۷۰۶-۸۸ آ.د.ک. فرانسه مقرر می‌دارد: «... با نقض مواد ۶۳-۴ و ۶۳-۲-۴ چنانچه شخص به دلیل یکی از جرایم مندرج در ماده ۷۰۶-۷۳ تحت نظر قرار گرفته باشد، مداخله وکیل می‌تواند با اتخاذ تصمیمی مبتنی بر شرایط خاص تحقیق، ناشی از جمع‌آوری یا بررسی دلایل، یا به دلیل پیشگیری از تعرض به اشخاص، برای حداکثر ۴۸ ساعت و چنانچه جرم ارتكابی مربوط به بندهای ۳ یا ۱۱ ماده ۷۰۶-۷۳ باشد، برای حداکثر ۷۲ ساعت به تعویق افتد...» با توجه به عبارات ماده، تأخیر در حق ملاقات با وکیل جنبه الزام‌آور نداشته و تنها در صورت وجود دستور مقام قضایی این امر امکان‌پذیر است. ضمناً بر اساس ماده مذکور محرومیت از حق ملاقات با وکیل تا ۲۴ ساعت از اختیارات دادستان شهرستان است که می‌تواند رأساً یا با درخواست افسر پلیس قضایی تصمیم‌گیری نماید و برای مدت بیش از ۲۴ ساعت، از اختیارات قاضی آزادی‌ها و بازداشت که از نظر سلسله مراتب قضایی بالاتر از دادستان شهرستان است می‌باشد که با درخواست دادستان شهرستان تصمیم‌گیری می‌نماید (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲، ص. ۵۱). در خصوص زمان شروع تحت نظر، در حقوق فرانسه این مرحله از زمان سلب آزادی

شخص تحت نظر بوده و از لحاظ عملی، در موردی که وی به طور ارادی و بدون الزام مأمورین، نزد افسر پلیس قضایی حاضر می‌شود و اجباری برای ماندن وی در اداره پلیس نباشد، از زمان جلسه استماع وی است (Guinchard & Buisson, 2012, p. 694).

در صورت عدم امکان انتخاب وکیل توسط شخص تحت نظر، پلیس مکلف است از طریق کانون وکلای محل، وکیلی را به درخواست شخص تحت نظر، برای او تعیین کند. در حقوق ایران با آنکه ماده ۴۸ حق استفاده از وکیل مدافع را با شروع تحت نظر پذیرفته است، متأسفانه اشاره‌ای به تعیین وکیل مدافع رایگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند، نکرده است (ساقیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶).

حق برخورداری متهم از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل از نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ است. این موضوع در جهت تأمین منافع متهم بوده و در روند رسیدگی به پرونده و حقوق شهروندی و امنیت قضایی نقش مهمی دارد. از طرفی دیگر عدالت قضایی نیز که سبب تضمین امنیت قضایی می‌شود، ایجاب می‌کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از این طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود.

نتیجه‌گیری

امروزه تأمین و تضمین امنیت قضایی شهروندان دارای اهمیت فراوانی است. امنیت قضایی شهروندان به خصوص متهمان در پرتو اصل بنیادین برائت که اصل مهم و کلیدی و راهگشا محسوب شده، تأمین خواهد شد. بر اساس این اصل هیچ کس گناهکار نیست مگر آنکه خلافش ثابت شود. در حقوق ایران، این اصل در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز این اصل مطرح گردید. اصل برائت که باعث ایجاد امنیت قضایی در میان شهروندان می‌شود رعایتش در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب‌ها و ناامنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است. اصل برائت نقش مهم و کلیدی در تعیین سرنوشت متهم در دادرسی‌های کیفری دارد. یکی از نتایج مفید این اصل، تضمین حقوق دفاعی متهم است.

در پرتو اصل برائت است که این حقوق دفاعی برای متهم تأمین و مورد تضمین قرار می‌گیرد: تکلیف مدعی العموم یا شاکی به ارائه دلیل اتهام، منع توسل به روش‌های

غیرقانونی جهت تحصیل دلیل، تفسیر شک به نفع متهم و ممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن و گمان، تفهیم فوری نوع و علت اتهام، خودداری از پیش‌داوری در مورد متهم، حق داشتن وکیل مدافع و تأمین امکانات دفاعی لازم برای متهم.

در طول نیم‌قرن گذشته، تحولات عمده‌ای در زمینه حقوق متهم رخ داده است بدیهی است قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز نمی‌تواند نسبت به این تحولات بی‌توجه باشد زیرا رعایت موازین حقوق بشر در خصوص متهم، صدور احکام مبتنی بر عدالت را در دادگاه در پی خواهد داشت و هدف اصلی از تنظیم مقررات آیین دادرسی کیفری، اجرا و استقرار عدالت است و این هدف به مقصود نخواهد رسید مگر آنکه عدالت نه تنها نسبت به قربانیان جرایم، بلکه نسبت به کلیه طرف‌ها از جمله افرادی که به عنوان متهم در دادگاه حاضر می‌شوند اعمال گردد از جمله حقوقی که در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد تأیید و تأکید قرار گرفته حق برخورداری از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل است که از نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید است. این موضوع در جهت تأمین منافع متهم بوده و در روند رسیدگی به پرونده و حقوق شهروندی و امنیت قضایی نقش مهمی دارد. از طرفی دیگر عدالت قضایی نیز که سبب تضمین امنیت قضایی می‌شود، ایجاب می‌کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از این طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود.

در واقع، یکی از انواع معاضدت‌هایی که اشخاص تحت تحقیق، تعقیب، یا محاکمه استحقاق آن را دارند، معاضدت حقوقی است، که خود یکی از حقوق و تضمین‌های بنیادی دادرسی عادلانه است و باید از همان آغاز فرایند کیفری تأمین گردد. حق داشتن وکیل و تأمین ارتباط آزادانه با او شاخص‌ترین تضمین برای حقوق مظنون و متهم در منصفانه دادرسی است. حق برخورداری از وکیل در اسناد فراملی به دفعات مورد حمایت قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۷ مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر گونه حبس یا بازداشت، اصل ۱ اصول بنیادین نقش وکلا (۱۹۹۰) اشاره کرد. اصل اول از اصول اساسی راجع به نقش وکلا می‌گوید: «همه اشخاص حق دارند از معاضدت وکیل منتخب برای حمایت و احراز حقوقشان و دفاع از خویش در تمام مراحل دادرسی کیفری بهره ببرند». بنابراین حق بر وکیل عنصری مهم در حق برخورداری از امکانات کافی برای آماده‌سازی دفاع و

حق بر دفاع در راستای اصل برائت به حساب آمده و عادلانه بودن دادرسی را تضمین می‌کند. در گذشته حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر مورد تردید بود. اما امروزه این حق در بسیاری کشورها از جمله ایران پذیرفته شده است و متهم حق داشتن وکیل را در سه مرحله تحت نظر، تحقیقات مقدماتی و دادرسی دارد.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک.: متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.
۳. در متون فقهی، برخی این اصل را مبتنی بر اصل عدم دانسته‌اند. اصل عدم به عنوان یک اصل عقلی فرض را بر عدم تحقق وقایع می‌داند. شباهت بین اصل عدم و اصل برائت به قدری زیاد است که گویی یک اصل واحدند، زیرا بر اساس اصل عدم، اصل عدم چیزی است مگر آنکه وجودش ثابت شود (به نقل از آخوندی، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۵) و در خصوص اصل برائت نیز اصل بر بی‌گناهی و عدم گناهکاری متهم است.
۴. برخی از حقوقدانان، به جای استفاده از اصل برائت، اماره برائت را مورد استفاده قرار داده‌اند تا شمول بیشتری داشته باشد، چرا که بر اصل استتنا نیز وارد می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۳).
5. Every one charged with a criminal offence shall be presumed innocent until proven guilty according to the law
6. See Prosecutor v. Clement Kayishema and Obed Ruzindana, ICTRT, 21 May 1999, paras 55-64.

کتابنامه

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانشنامه سیاسی. تهران: نشر مروارید.
۳. آشوری، محمد (۱۳۷۶). عدالت کیفری (مجموعه مقالات). تهران: نشر گنج دانش.
۴. آشوری، محمد (۱۳۸۳). بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. تهران: نشر گرایش.

۵. آشوری، محمد (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات سمت.
۶. آشوری، محمد و سپهری، روح‌اله (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه». آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، (۶).
۷. اسلامی، محمد (۱۳۸۷). بررسی حق دفاع متهم در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۸. اسماعیلیان، شاپور (۱۳۸۶). «استقلال و کیل شرط محاکمه عادلانه». خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، (۱۲).
۹. امیدی، جلیلی (۱۳۸۳). دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات). تهران: نشر سمت.
۱۰. پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۸۹). جلوه‌های رفتار منصفانه نسبت به بزه دیده در مقررات دادرسی کیفری ایران و سازمان ملل متحد. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۱۱. ثقفی کوفی اصفهانی، محمد (۱۳۵۵). الغارات. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه. بی جا: نشر دار احیاء التراث العربی، موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم.
۱۳. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر شهر دانش.
۱۴. خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). فرآیند کیفری. تهران: نشر گنج دانش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶). المفردات فی غریب القرآن. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۱۶. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. تهران: نشر میزان.
۱۷. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۷). «امنیت قضایی به مثابه حق». مجله مجلس و پژوهش، (۵۶).
۱۸. زراعت، عباس (۱۳۹۲). اصول آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر مجد.
۱۹. ساداتی، سید محمود (۱۳۸۹). «امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه دادرسی، (۷۹).
۲۰. ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳). «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه». مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، (۱).
۲۱. ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». پژوهش حقوق کیفری، (۶).
۲۲. شاملو، باقر (۱۳۸۳). اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی (مجموعه مقالات

- در تجلیل از دکتر محمد آشوری). تهران: انتشارات سمت.
۲۳. شفیعی‌زاده، توحید (۱۳۹۲). مطالعه الگوهای دوگانه عدالت کیفری هربرت پارکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن الگوها. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲۴. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر میزان.
۲۵. عباسی، محمود و جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۶). گفتارهایی در حقوق شهروندی. تهران: نشر میزان.
۲۶. علی‌اکبری، رستم؛ کرمی، پدرام و کنجوری، مجتبی (۱۳۹۴). «بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری». همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه: https://www.civilica.com/Paper-HOGOG01-HOGOG01_086.html
۲۷. عزیززاده طباطبایی، سیدمحمود (۱۳۸۵). «ترازوی عدالت با وکیل میزان می‌شود». روزنامه شرق.
۲۸. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۸۵). «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم». مجله حقوقی دادگستری، (۵۶ و ۵۷).
۲۹. فضائی، مصطفی (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی. تهران: انتشارات شهر دانش.
۳۰. قبانچی، حسام و دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرایند کیفری «کنترل جرم» و «دادرسی منصفانه» آموزه‌های حقوق کیفری». دانشگاه علوم رضوی، (۴).
۳۱. قنبری، حمیرا (۱۳۸۱). اصل برائت و اماره مجرمیت. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳۲. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی. مترجمان: زهرا موسوی، حسین پیران و اردشیر امیرارجمند، تهران: نشر جنگل.
۳۳. ماروین زالمن و لاری سیگل (۱۳۷۸). «دادرسی کیفری به عنوان حق بشر». ترجمه دکتر جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۴(۸۱۶).
۳۴. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۴). اصول فقه. تهران: نشر علوم اسلامی.
۳۵. مسعودی‌مقام، اسدالله و حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی حق داشتن وکیل مدافع در حقوق کیفری ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. مجموعه مقالات همایش علمی حقوقی کاربردی وکیل، دفاع، تحقیقات مقدماتی (انجمن دفاع از حقوق زندانیان)، تهران: نشر گواهان.

۳۶. مصباحی، کمال‌الدین (۱۳۸۸). حق بهره‌مندی از وکیل با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو اسناد حقوق بشری و مقایسه با حقوق ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران، ایران.
۳۷. مظاهری، امیرمسعود (۱۳۸۵). «مفهوم مداخله وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی». مجله حقوقی دادگستری، (۵۶ و ۵۷).
۳۸. منصوریان، علی (۱۳۸۷). «حضور تشریفاتی وکیل تسخیری یا حضور حاضر وی». مجله دادرسی، ۱۲ (۷۰).
۳۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۱). «رویکرد سزاگرا به کیفر در نظریه لیبرالیسم». مجله تحقیقات حقوقی، ۱۵ (۱۱۴).
۴۰. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲). «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی». مجله حقوقی دادگستری، (۵۸).
۴۱. نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹). «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۸۹ (۱۴).
۴۲. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). بررسی انصاف و عدالت از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. تهران: نشر گرایش.
۴۳. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات میزان.
44. Leffler, Melryn p (1984). The American conception of National security and the Beginnings of cold war, 1945-48, American Historical Review 89(2). Pp. 246-81.

منابع فرانسوی:

45. Guinchard, S., et Buisson, J., procedure penale. 8ed. Paris (2012).
46. Lazerges . ch. (2000). Le Renforcement de la Presomption d'Innocence et les Droits des Victimes, A.P.C.n 22.
47. Pradel , J. (2001). Les personnes suspects ou poursuivies aores la loi du 15 juin 2000, Dalloz, N. 14.
48. Pradel, J. (1995). La protection de la pesonne en France depuis en France depuis les reformes de procedure penale en 1993, in. la Revue juridiae themis, n1.